

ویژگی های جامعه اسلامی در آینه خطبه فدکیه حضرت فاطمه (س)

رضا فرامرزنسب^۱، قاسم حسن زاده^۲، محمد جواد غلامی^۳، حسن پورگلدار^۴

۱. دکتری الهیات و تاریخ و تمدن اسلامی، دبیر آموزش و پرورش شهرستان مهر استان فارس، ایران

۲. لیسانس دبیری زیست شناسی دبیر آموزش و پرورش شهرستان مهر استان فارس، ایران

۳. لیسانس دبیری فیزیک دبیر آموزش و پرورش شهرستان مهر استان فارس، ایران

۴. لیسانس آموزش ابتدایی دبیر آموزش و پرورش شهرستان مهر استان فارس، ایران

چکیده

حضرت فاطمه (س) از زنانی است که در تاریخ ماندگار است. در حرکت اصلاحی و هدایت گرانه رسول خدا (ص) نقش فعال و پر رنگی داشتند. در مکتب پدر با بهترین شیوه تربیت شدند و با پوست و جان خود اسلام را درک نمودند و تمام سختی‌ها و مشکلات و نامایمات و شکست‌ها و پیروزی‌های اسلام را به عینه مشاهده نمودند. زمانی که رسول خدا ص از دنیا رفتند، شرایطی خاص در جامعه اسلامی حاکم شد و نسبت به اهل بیت (ع) اجحاف و ظلم‌های بزرگی صورت گرفت. از جمله محروم نمودن مردم از هدایت ائمه (ع) و گرفتن جانشینی رسول الله (ص) بود. یکی از ظلم‌های آشکار گرفتن حق مالکیت فدک از حضرت زهرا بود که با توجه به اتفاقات حادث شده در جامعه اسلامی حضرت فاطمه (س) خطبه‌ای مفصل ارائه نمودند و در آن شرائط حاکم بر جامعه اسلامی بعد از رحلت پیامبر (ص) بیان نمودند. در این پژوهش با شیوه تحلیلی توصیفی مبتنی بر خطبه فدکیه حضرت فاطمه (س) تلاش نموده‌ایم که خصوصیات جامعه اسلامی بعد از رحلت پیامبر (ص) را بررسی و تحلیل نماییم.

واژه‌های کلیدی: ویژگی، جامعه اسلامی، خطبه فدکیه، حضرت فاطمه (س).



مقدمه

حضرت فاطمه (س) دختر نبی اکرم (ص) از بانوان مطرح در تاریخ می باشد که در تاریخ اسلام نقش پررنگی ایفا نمودند. در تمام مراحل دعوت اسلامی یار و یاور رسول الله (ص) بودند. از زمانی که مادرش خدیجه را از دست داد همواره کنار پدر بود و برای پدرش مادری می نمود که به وی لقب ام ایها دادند. همه حوادث و اتفاقات صدر اسلام را در ذهن خود داشتند و همه گروه های اسلامی به همراه عملکردشان را دیده بودند. در میان جامعه جایگاه ویژه ای داشتند و رسول الله به طور مداوم وی را تکریم می نمود. در تفسیر فرات که از ۱۲۰۰ سال پیش است روایتی از پیامبر خدا ص نقل شده که یک روز پیامبر بر فاطمه وارد شد و بعد فرمود:

"و اذا استقر اولیاء الله فی الجنة زارك و آدم و من دونه من النبین" (تفسیر فرات).

هنگامی که اولیای پروردگار در بهشت مستقر گردند، آدم و دیگر انبیا به زیارت تو خواهند آمد. مردمی که خداوند چنین نعمتی به آنها داد و قدر او را ندانسته و او را آزرده و آتش به در خانه اش آوردند. حضرت زهرا (س) در خطبه فدکیه خود را به مردمی که او را می شناختند دوباره می کند و می فرماید: "وَأَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ".

کلمه آبی خیلی مهم است یعنی من دختر پیامبر هستم شما چنین بی احترامی نمودید، ظلم کردید، و به خاطر دنیا همه چیز را از یاد بردید، آزار اهل بیت نمودید. سپس ایشان ادامه دادند «من دختر همان کسی هستم که فرمود: فاطمه پاره تن من است و هر کس او را بیازارد گویی مرا آزرده است و هر کس او را خشمگین کند گویی مرا خشمگین نموده است: فاطمه بضعه منی، یوذینی ما آذاها و یغضبنی ما اغضبها. (علامه امینی، الغدیر)

سایر ائمه (ع) نیز فاطمه زهرا (س) را تکریم نموده اند: امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: نَحْنُ حُجَّجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ جَدَّتْنَا فَاطِمَةُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْنَا - ما (ائمه) حجت خدا بر مردم و مادرمان فاطمه حجت خدا بر ماست. (حسینی شیرازی: ۳۴۲)

امام باقر (ع) در عظمت و جلالت مادرش فاطمه علیها السلام می فرماید: لقد كانت علیها السلام مفروضة الطاعة علی جمیع من خلق الله من الجن و الانس و الطیر و الوحش و الانبیاء و الملائكة اطاعت فاطمه علیها السلام بر تمام بندگان الهی حتی جن و انس، پرندگان و حیوانات، پیامبران و ملائکه واجب است؛ و پیامبر (ص)، نیز می فرماید: ان الله جعل علیا و زوجته و ابنته حجج علی خلقه، خداوند متعال علی، همسر و فرزندان او را حجت خود در میان مردم قرار داده است. (بحرانی، عبدالله بن نورالله، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الایات و الاخبار و الاقوال).

حضرت فاطمه (س) بعد از رحلت پدرش رسول خدا دچار سختی های زیادی شدند و حوادث ناگواری را تحمل نمودند. فدک که در زمان رسول خدا به ایشان بخشیده شده بود، از وی گرفتند و مورد غضب واقع گردید. وی خطبه غرابی ایراد نمودند:



خطبه فدکیه خطبه‌ای است که حضرت فاطمه (س) بعد از غصب فدک توسط خلیفه اول در مسجدالنبی ایراد کرد. در این خطبه حضرت فاطمه (س) تأکید می‌کند که فدک حق قانونی اوست و میراثی است که پیامبر (ص) برای او گذاشته است. ابوبکر بعد از آن که پس از رحلت پیامبر (ص) به خلافت رسید، اعلام کرد که فدک ملک شخصی نیست و جزو بیت‌المال محسوب می‌شود و نباید در تملک دختر پیامبر قرار بگیرد. به همین دلیل عاملان حضرت فاطمه (س) را از فدک بیرون کرد. زمانی که خبر غصب فدک به حضرت زهرا (س) رسید او به همراه گروهی از زنان فامیل و خدمتکارانش به‌سوی مسجدالنبی به راه افتاد. وقتی که به مسجد رسید، لحظه‌ای سکوت کرد تا همه مردم خاموش شود و گریه آن‌ها به پایان برسد. سپس کلام خود را آغاز کرد و خطبه‌ای را ایراد فرمود که به خطبه فدکیه معروف شده است. این خطبه، خطبه لُمه نیز نامیده می‌شود. در منابع معتبر حدیثی شیعه مانند من لایحضر الفقیه و بحار الانوار و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ذکر شده است. این خطبه شامل موضوعات زیر است:

- ۱- حمد و توصیف الهی
 - ۲- یادآوری بعثت پیامبر (ص).
 - ۳- بیان جایگاه امام علی (ع) در کنار پیامبر (ص) و سروری وی در میان اولیای الهی و شجاعت‌های بی‌نظیر او در دفاع از پیامبر (ص) و اسلام.
 - ۴- سرزنش یاران پیامبر (ص) که بعد از رحلت او پیرو شیطان شده و نفاق در میان آن‌ها آشکار شد و حق را رها کردند.
 - ۵- تکذیب سخن ابوبکر که طبق چه قانونی او را از ارث پدر محروم کرده است.
 - ۶- واگذاری ابوبکر به دادگاه خداوند در روز رستاخیز.
 - ۷- پرسش از یاران پیامبر (ص) که چرا در مقابل این ستم‌ها ساکت نشسته‌اند.
 - ۸- بیان این نکته که کلام ابوبکر و اطرافیانش شکستن سوگند است.
 - ۹- تأکید بر این که ننگ کار آن‌ها جاودانی و سرانجام آن‌ها دوزخ خواهد بود.
- این خطبه اگر چه خطاب به خلیفه اول است ولی در اصل خطابش به مردم می‌باشد که با بی‌تفاوتی از کنار حقی بزرگ گذشتند و نادیده گرفتند. حق امامت و خلافت اهل بیت (ع) که در روز غدیر خم و در آیات قرآن و روایات متعدد بر آن تأکید شده است.

خصوصیات جامعه اسلامی بعد از رحلت رسول خدا (ص)

زمانی که رسول خدا از دنیا رفتند، اتفاقاتی در جامعه بروز کرد که این اتفاقات ناشی از تفکر و توجه عده‌ای در سالهای قبل بود. این اتفاقات مسیر جامعه اسلامی را عوض کرد و اتفاقات بعدی را به دنبال داشت. جامعه در خود این خصوصیات را داشت. دختر مکرمه رسول الله (ص) خصوصیات جامعه اسلامی بعد از رحلت پدرشان را اینگونه بیان می‌کنند.



۱- سست شدن و بی تفاوتی مردم

حضرت فاطمه (س) از خصوصیات جامعه بعد از رحلت را سستی مردم بیان می کند که این سستی در انحاء مختلف خود را نشان می دهد. مردم انگیزه های اعتقادی سابق را نداشتند و خیلی زود همه چیز را فراموش کردند و به خاندان رسول الله و اصحاب واقعی ظلم روا داشتند و خلافت و حکومت به دست عده ای افتاد و از قداست اسلام کاسته شد مردم مگر تعدادی از صحابه همه بی تفاوت شدند. حضرت فاطمه (س) این موضوع را بیان می کند و فرموده اند:

استومع و هنه « یا وهیه. » (احتجاج، ج ۱: ۲۷۰)

حضرت در خطبه ای که در حضور زنان مدینه که به عیادت ایشان آمده بودند نیز این امر را تذکر دادند و با تاسف فرمودند: "فقیبا لفلول الحد واللعب بعد الجدد و قرع الصفاة"، چه زشت است سستی و بازیچه بودن مردان پس از آن همه تلاش و کوشش. (همان: ۲۷۸)

۲- بروز تفرقه و اختلاف

بعد از رحلت رسول الله (ص) و عدم توجه به دستورات قرآن و نصایح رسول اکرم ص مسیر اسلام منحرف گردید و اختلافات بوجود آمد و گروه های مختلف چشم به قدرت داشتند و تشتت جای همدلی و یکپارچگی گرفت و امت واحده بودن معیار و ملاک نبود و انواع تبعیض ها حاکم شد.

حضرت فاطمه (س) می فرماید:

استنهر فتنه وانفتق رتقه (همان: ۲۷۰)؛ تشتت و پراکندگی گسترش یافت. و وحدت و همدلی از هم گسست.

استنهر از نهر به معنای وسعت و زیادی است، فتنه به معنای جدایی و پاره پاره شدن است. انفتق از افتناق یعنی شکافتن و رتق هم به معنای همبستگی و اتحاد است.

قرآن کریم در سوره انبیاء آیه ۳۰ می فرماید: "ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما".

(آیا کافران ندیدند) که آسمان ها و زمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم.

۳- از بین رفتن امید و آرزوهای مسلمانان

قرآن و اسلام برای مسلمانان جامعه ای ترسیم کرده بودند که خدا محوری و یکتا پرستی و رفع تبعیض و عدالت اجتماعی و... در آن معیار بود و فقط برتری به تقوی بود. "و ان اکرمکم اتقکم".

آنان که به پیامبر اکرم (ص) و احکام عالیه اسلام ناب حضرتش دلخوش کرده بودند از نعمت دین الهی و حکومت اسلامی بهره مند گشته بودند. اکنون با دیدن حوادث بعد از آن حضرت مایوس شده و امیدشان به یاس مبدل گشت. مردم احساس یاس و ناامیدی می کردند و احساس این داشتند که آمال و آرزوهای آنها نابوده است. حضرت فاطمه (س) می فرماید: "واکدت الامل" (همان: ج ۱/ ۲۷۰).



۴- بی حرمتی به حریم پیامبر (ص)

بعد از رحلت رسول خدا ص توسط عده ای حرمت اهل بیت مکرم ایشان خدشه دار شد. خانواده رسول خدا را مورد بی مهری و بی وفایی قرار دادند، در حالی که رسول خدا مزد رسالتش را محبت به خانواده اش قرار داده بود. تعدادی علاوه بر اینکه این محبت را نادیده گرفتند بی احترامی و حمله به بیت آل الله را در برنامه قرار دادند و خانه آنها را به آتش کشیدند.

اضیع الحریم و ازیلت الحرمه عند مماته (همان)؛ هنوز جسد مبارک پیامبر بر زمین است. در اجتماع سقیفه (ابن ابی الحدید، ج ۲، صفحات ۲۰ - ۶۰ و ج ۶، صفحات ۵ - ۵۰) بدون نظرخواهی از خاندان پیامبر به تعیین جانشین برای آن حضرت می پردازند. و حق اهل بیت حضرتش را ضایع می کنند.

حضرت علی (ع) می فرماید: "فوالله ما كان يلقى في روعي، ولا يخطر ببالي ان العرب تزعج هذا الامر من بعده (ص) عن اهل بيته ولا انهم منحوه عني من بعده" (نهج البلاغه: نامه ۲۹).

به خدا سوگند نه در فکرم می گذشت و نه در خاطرم می آمد که عرب خلافت را پس از رسول خدا از اهل بیت او بگردانند. یا مرا پس از وی از عهده دار شدن حکومت باز دارند.

و حتی در لحظات واپسین عمر حضرت و هنگام رحلت ایشان، هنگامی که قلم و لوحی طلب فرمودند به آن حضرت بی حرمتی کردند و ندای "فانه يهجر" سر دادند. (شیخ مفید: ۲۵۰/۱)

مدتی هم از رحلت حضرت نگذشت که به در خانه تنها یادگارش آمدند و چه بی حرمتی ها که نکردند. چنانکه حضرت زهرا فرمود:

یا ابتاه یا رسول الله هكذا كان يفعل بحبيبتك وابنتك... (نهج الحياه فرهنگ سخنان فاطمه س، ۱۴۷).

یا ابتاه یا رسول الله ماذا لقينا بعدك من ابن الخطاب وابن ابی قحافه (همان: ۲۵۰) بابا ای رسول خدا پس از تو از دست زاده خطاب و زاده ابی قحافه چه بر سر ما آمد. (عبدالفتاح عبدالمقصود، امام علی: ج ۱، ص ۳۲۸)

۵- قدرت گرفتن منافقین

یکی از گروه هایی که از زمان حضور رسول الله در مدینه به مخالفت برخاستند و برای برنامه های اسلام مشکلاتی بوجود آوردند؛ منافقین بودند. اینها از فرصت بوجود آمده و انشقاق میان مسلمانان نهایت استفاده را بردند و قدرت نمایی نمودند و قصد داشتند تا از این طریق به اسلام ضربه بزنند. حضرت فاطمه (س) در این خصوص می فرماید:

ظهر فيكم حسكة النفاق. (لاحتجاج، ج ۱: ۲۶۳ و ۲۶۴)

حضرت در جای دیگری از همین خطبه، با کنایه زیبایی به این نفاق افکنی پرداخته است و فرموده است: "تشربون حسوا فی ارتغاء و تمشون لاهله و ولده فی الخمر والضراء و نصبر منكم علی مثل حز المدی، و وخز السنان فی الحبشاء" (همان: ۲۶۶)؛ شیر را اندک اندک با آب ممزوج نمودید و به بهانه این که آب



می‌نوشید، شیر را خوردید. کنایه از نفاق است که تظاهر به عملی می‌شود که در واقع خلاف آن است و برای نابودی اهل بیت او در پشت تپه‌ها و درختان کمین کردید. و ما بر این رفتار شما که مانند بریدن کارد و فرو بردن نیزه در شکم، دردآور و کشنده است صبر می‌کنیم.

منافقین روزهای آخر حیات رسول خدا ص فکر قدرت بودند و برای خود هم کاندیدی مد نظر داشتند. منافقین که ایمان ظاهری داشتند و در مدینه شکل گرفتند روز به روز بر تعداد آنها افزوده می‌شد و حدود دویست آیه از قرآن به ویژه آیات مربوط به جنگ تبوک در سال نهم هجری به مسأله منافقین پرداخته است این گروه تا حدودی سازمان دهی خاصی داشتند و اقداماتی هم در زمان حیات رسول خدا انجام دادند از جمله دلسرد کردن مسلمانان از رفتن به جنگ‌ها یا بازگشت از میانه‌ی راه مثل جنگ احد یا هنگام حرکت سپاه اسلام به سوی تبوک قصد کودتا داشتند یا ساختن مسجد ضرار و رم دادن شتر پیامبر در بازگشت از تبوک در گردنه‌ی عقبه و غیره... (یعقوبی، ج ۲/۵۲).

سرکرده این گروه عبدالله بن ابی بود که قبل از اسلام آوردن مردم مدینه قرار بود به عنوان حاکم بر اوس و خزرج حکومت کند و چون مردم مدینه مسلمان شدند و پیامبر به آنجا مهاجرت کرد دستش از قدرت کوتاه شد شروع کرده کینه ورزی و ایجاد مشکل برای مسلمانان و تشکیل گروه منافقین و انجام کارهای منافقانه. مقارن وفات پیامبر اینها ادعایی برای خلافت نداشتند و خود نامزدی هم نداشتند که از او حمایت کنند زیرا بین مسلمانان منفور بودند ولی آنچه جالب است اینکه منافقین بعد از رحلت رسول خدا چه وضعیتی پیدا کردند؟ آیا برای خلفا هم ایجاد مشکل کردند؟ اینها به راحتی جذب حزب خلفا شدند و هیچ مشکلی ایجاد نکردند و دارای پست و مقام و وزارت شدند. (حسنی، ج ۱/۱۳۷)

۶- کم رنگ شدن دین

بعد از رحلت رسول خدا ص دین و امور معنوی نزد عده‌ای کم رنگ شد و افرادی که سست اعتقاد بودند از امور معنوی و دینی فاصله گرفتند و نماز و زکات کم رنگ شد و گروه‌هایی از پرداخت زکات سرباز زدند که درگیری‌ها و جنگ‌هایی هم صورت گرفت تا دوباره به پرداخت زکات الزام شدند. حضرت زهرا (س) با تعبیری زیبا به این موضوع اشاره دارد که دین کم رنگ گردید و از آن به حجاب تعبیر نموده است.

و سمل جلیاب الدین. (همان: ۲۶۴) «جلیاب» چادر یا عبایی که بدن انسان را می‌پوشاند، حضرت زهرا (س) تعبیر به جلیاب دین فرموده‌اند. چون دین نیز تمام زوایای زندگی فردی و اجتماعی انسان را در بر می‌گیرد، همانگونه که چادر و عباء تمام بدن انسان را در بر می‌گیرد. (خطبه زهرا: ۱۱۸)

باز حضرت می‌فرمایند: اطفاء انوار الدین الجلی و اهمال سنن النبی الصفی (احتجاج، ۲۶۶/۱)؛ به خاموش کردن انوار درخشان دین و بی اهمیت کردن و مهمل گذاردن سنت‌های پیامبر برگزیده خدا شد.



۷- غفلت و فراموشی مردم

بعد از رحلت رسول الله (ص) جامعه دچار غفلت و فراموشی بزرگی شدند و معیارها و ویژگی هایی که مد نظر رسول الله بود تغییر یافت و نمونه های اشرافی گری در جامعه حاکم شد. حضرت خطاب به انصار که با جان و مال پیامبر را کمک کرده بودند چنین فرمودند: "یا معاشر الفتنه و اعضاء المله، و حضنه الاسلام ما هذه الغمیزة فی حق و السنة عن ظلامتی". (همان: ۲۷۲) ای گروه جوانمرد، ای بازوان ملت و یاوران اسلام، این غفلت و سستی و ضعف شما در حق من و تغافل و بی تفاوتی و خواب آلودگی درمورد دادخواهی من، چیست؟

۸- پیمان شکنی مردم

مردم بعد از رحلت رسول خدا عهد و پیمان خود را با اسلام و پیامبر (ص) شکستند و به توصیه های اسلام و قرآن گوش فرا ندادند و به پیمانی که با خدا و رسول ص بسته بودند وفادار نماندند و خدا در قرآن از پیامبر اجر و مزد رسالت خواست که پیامبر در جواب فرمودند: محبت و دوستی اهل بیت. در قرآن آیه ۲۳ سوره شوری می فرماید:

"قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ".

بگو من هیچ مزد و پاداشی بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم و اهل بیت. حضرت فاطمه خطاب به آنها فرمودند: "فانی حرتم بعد البیان و اسررتم بعد الاعلان و نکصتم بعد الاقدام". (همان: ۲۷۲)

پس چرا بعد از بیان حق حیران و سرگردانید، و بعد از آشکار کردن عقیده پنهان کاری می کنید و بعد از آن پیشگامی و روی آوردن به عقب برگشته پشت نموده اید. حضرت زهرا سلام الله علیها، در این فراز به حادثه غدیر اشاره می کند که پیامبر اکرم (ص) آن را برای مردم بیان فرمود و به آنها اعلام کرد و آنان نیز با علی (ع) بیعت کردند. اما اکنون بیعت خود را شکستند.

۹- اغوای شیطانی مردم

بعد از رحلت رسول خدا جامعه اسلامی دچار انگیزه های شیطانی و گروه گرایی و قوم گرایی شد. همه به دنبال مطامع دنیوی خود افتادند. دین و تعالیم اسلامی مورد بی توجهی قرار گرفت. حضرت فاطمه خطاب به آنها فرمود: "تستجیبون لهتاف الشیطان الغوی" (همان: ۲۶۶). به شیطان گمراه کننده پاسخ مثبت دادید. در جای دیگر از خطبه فرموده اند: "اطلع الشیطان راسه من مغزره هاتفا بکم فالفاکم لدعوته مستجبین" (همان: ۲۶۴).

شیطان سر خود را از مخفی گاه به در آورد. شما را فراخواند، دید که پاسخگوی دعوت باطل او هستید. . .



شیطان به سنگ پشت و خارپشت تشبیه شده است. چون آن هم وقتی دشمن را می‌بیند، سرش را در لاک خود فرو می‌برد. اما وقتی که محیط را بدون خطر احساس کرد، سر خود را بیرون می‌آورد. شیطان نیز تا وقتی که پیامبر اکرم (ص) زنده بودند، سرش را در لاک خود فرو برده بود و جرات نمی‌کرد خود را نشان دهد. ولی بعد از آن سرش را بیرون آورد و به تحریک مردم پرداخت. (درس‌هایی از خطبه حضرت زهرا: ۱۲۰)

۱۰- اعتقادات باطل مردم

مردم بعد از رحلت رسول خدا به سوی اعتقادات خرافی دوره جاهلیت بازگشت نمودند. زیرا اسلام درون وجود آنها به طور کامل رسوخ نیافته بود و هنوز عقاید قومی و قبیله‌ای داشتند. حضرت فاطمه خطاب به آنها فرمودند:

معاشر الناس المسرعة الى قيل الباطل المغضية على الفعل القبيح الخاسر (الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۷۸)
ای گروه مردم که به سوی شنیدن حرف‌های بیهوده شتاب می‌کنید، و کردار زشت زیانبار را نادیده می‌گیرید.

۱۱- ظهور فساد

بعد از رحلت رسول خدا (ص) در جامعه حقی پامال شد و حرکتی شروع شد که این حرکت آغاز فسادهای گسترده‌تر گردید و اهل بیت (ع) مهجور گردیدند و فرصت طلایی از اسلام ناب محمدی گرفته شد. حضرت فاطمه خطاب به آنها هشدار داد و فرمود: "اما لعمری لقد لقحت فنظرة ريشما تنتج ثم احتلبوا ملء القعب دما عبيطا و ذعافا مبیدا" (همان: ۲۹۰).

به جان خودم سوگند نطفه فساد بسته شد، باید انتظار کشید تا کی مرض فساد پیکر جامعه اسلامی را از پای درآورد که پس از این از پستان شتر به جای شیر خون بدوشید و زهری که به سرعت هلاک‌کننده است.

۱۲- جامعه جولانگاه فرصت طلبان

بعد از رحلت رسول خدا حزب اموی که تحت رهبری ابوسفیان اجباراً ایمان آورده بودند با یک حرکت خزنده و لاک‌پشتی به قدرت بازگشتند و مناصب لشکری را به دست گرفتند. در غیاب پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) بهترین فرصت برای آن‌ها جهت بازسازی خود بود. توانستند به بالاترین مناصب حکومتی یعنی خلافت برسند و رسیدند به آنچه که می‌خواستند و به دنبال آن بودند. روزی ابوسفیان رفت بالای قبر حمزه عموی پیامبر و خطاب به او گفت: آنچه که بر سر آن با ما می‌جنگیدید اکنون در دستان ما قرار دارد.



حضرت سلام الله عليها در فرازهایی از خطبه فدکیه به گروه های فرصت طلب که منتظر بودند تا بعد از رحلت پیامبر از موقعیت بهره برند پرداخته است. حضرت فاطمه گروه های فرصت طلب را خطاب قرار می دهد.

الف) افراد گمراه و ساکت

امویان از گمراهان ساکت بودند که مترصد فرصت بودند تا به حال اولیه خود برگردند زیرا اینها ایمان واقعی به اسلام نداشتند و فکر می کردند اسلام اهرمی برای تسلط پیامبر بر آنها می دانستند سر دسته اینها ابوسفیان بود. حضرت فاطمه خطاب به آنها فرمودند: "نطق کاظم الغاوین" (همان). گمراهان خاموش به سخن درآمدند.

ب) افراد فرومایه گمنام

اینها افرادی بودند که نه سابقه در دین داشتند و نه فداکاری در جنگ های پیامبر برخوردار داشتند. به بهانه ترس از فتنه در حالی که بدن پیامبر هنوز بر زمین بود در تعیین جانشین تلاش می کردند. اینها کسانی بودند که در سقیفه جمع شدند تا خلیفه را انتخاب کنند. کسانی بودند از مهاجرین و انصار که پا روی تمام اعتقادات قبلی خود گذاشتند. حضرت فاطمه خطاب به آنها فرمودند: "ونبغ خامل الاقلین" (۴۲). آدمهای پست و بی ارزش با قدر و منزلت شدند.

ج) افراد شجاع ولی بر سیل باطل

اینها افرادی بودند که شجاع بودند ولی بر سیل باطل حرکت می نمودند و نتوانستند حقیقت وجود اهل بیت (ع) را در نمایند و در کنار اهل بیت بمانند و از آنها دفاع و حمایت نمایند. حضرت فاطمه خطاب به آنها می فرماید: "وهدر فنیق المبطلین". (همان: ۲۶۳) شتر اهل باطل بانگ بر آورد و در میدان های شما به جولان درآمد.

۱۳- وجود منافقین در جامعه

نفاق منافقین را به تعبیر قرآن هم می توان در ایمان و عقیده، وهم در عمل آنها مشاهده کرد. اما مهم ترین ویژگی آنها، دروغگویی شان است. در سوره منافقون آیه یک می فرماید:

"وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ"

خدا گواهی می دهد که منافقان در گفته خود دروغگو هستند.

حضرت فاطمه (س) می فرماید: "ظَهَرَ فَيْكُمُ حَسِيكَةُ النِّفَاقِ".



خطر اهل نفاق، برای هر جامعه از خطر هر دشمنی بیشتر است چرا که از یک سو شناخت آن‌ها غالباً آسان نیست و از سوی دیگر دشمنان داخلی هستند و گاه چنان در تار و پود جامعه نفوذ می‌کنند که جدا ساختن آن‌ها کار بسیار مشکلی است و از طرفی روابط مختلف آن‌ها با سایر اعضای جامعه، کار مبارزه را با آن‌ها شوار می‌سازد.

۱۴- انکار سنت‌های الهی در جامعه

یکی دیگر از بخش‌های خطبه فدکیه به منکر شدن سنت‌های الهی در جامعه اشاره دارد. حضرت فاطمه فرمودند: "وَإِهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّغِيِّ:" شروع کردند به خاموش کردن و از بین بردن سنت‌های پیامبر برگزیده.

۱۵- ازیین بردن حرمت‌ها در جامعه

از خصوصیتی که بعد از رحلت رسول الله در جامعه حاکم شد، ازیین رفتن حرمت‌ها بود از جمله حرمت اهلیت (ع) و اصحاب رسول الله پایمال نمودند. در بخشی از خطبه حضرت زهرا (س) می‌فرمایند: "وَأُضِيعَ الْحَرِيمُ، وَأُزِيلَتِ الْحَرَمَةُ عِنْدَ مَمَاتِهِ." حرمت‌ها پایمال شد و حق ما را پس از پیامبر پایمال کردند.

۱۶- کینه و حسادت نسبت به علی بن ابی طالب (ع)

در جامعه کینه و حسادتی نسبت به امام علی (ع) شکل گرفته بود. بسیاری از مشکلات جامعه را باید ناشی از حسادت و کینه‌ورزی خواص نسبت به امام علی (ع) دانست؛ سکوت قبایل در مقابل پایمال شدن حق امیرالمؤمنین (ع) نتیجه کینه و حسادتی بود که نسبت او از جنگ‌ها و شکست‌ها در صدر اسلام در دل داشتند. رشادت‌های امام علی (ع) در جنگ بدر و احد و خندق و کشته شدن تعدادی از سران کفار به دست امام علی (ع) کینه و حسادت عجیبی در دل آنها جا داده بود و عقیده به انتقام داشتند. عقاید و اندیشه‌های فاسد و امیال انحرافی هر جامعه‌ای را نابود می‌کند. حضرت فاطمه (س) می‌فرماید: "وَوَخَّلَ الْأَرْءَاءُ، وَزَكَلَ الْأَهْوَاءُ." تباهی عقیده، و انحراف اندیشه و تزلزل اراده‌ها. "در بخشی از خطبه می‌فرماید: "وَبُسَ مَا قَدَّمْتُ لَهُمْ أَنْفُسَهُمْ." یعنی چه بد ذخیره‌هایی مردان شما برای خود پیش فرستادند که به معنای این است که آینده اسلام را تیره و تار کردند، چون از خط اصیل تداوم اسلام یعنی علی (ع) دفاع نکردند.

حضرت زهرا در ادامه در خطبه می‌فرمایند: "أَنْ سَخَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ."



خداوند به جهت این کارشان بر آن‌ها خشم گرفت و در عذابی جاودانه خواهند ماند. چون این کار یک گناه عادی نیست، بلکه به خطر انداختن اصل اسلام است، به همین جهت در ادامه فرمودند: "لَا جَرَمَ لَقَدْ قَلَّدْتُهُمْ رَبِّقَتَهَا" یعنی بدون شک قلاده این مسئولیت بر گردنشان خواهد بود.

فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- امینی، علامه عبدالحسین، الغدير، انتشارات غدیر، قم.
- بحرانی، عبدالله بن نورالله، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الايات و الاخبار و الاقوال، جلد ۱۱، مدرسه امام مهدی (عج)، ۱۳۶۳.
- حسینی شیرازی، صادق، العلم النافع سبیل النجاه، انتشارات یاس الزهراء، قم.
- حسینی زنجانی، عزالدین، قطره‌ای از دریا.
- دشتی، محمد، نهج الحیاة فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام، ناشر: نشتا.
- شیخ مفید، الارشاد، ترجمه آقای رسولی محلاتی چاپ دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۱، قم.
- صبحی صالح، نهج البلاغه امام علی (ع)، مرکز بحوث الاسلامیه، قم.
- طبرسی الاحتجاج، (اسوه) ج ۱، انتشارات اسوه، قم.
- عبدالفتاح عبدالمقصود، امام علی (ع) ترجمه فارسی ج ۱، شرکت سهامی انتشار، قم.
- مجلسی، ملا محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۳، انتشارات اسلامیه، قم.
- منتظری، حسینعلی، درس‌هایی از خطبه حضرت زهرا، شرح خطبه حضرت زهرا در دو جلد، انتشارات دفتر آیت الله منتظری، قم.